

بعضی دوستان به امریکا «گرا» می دهند؛



ز مالیہ گھدرم ملتان ایمان رملی طاعت حدت خاصہ گوی چایدریان جلسہ

Page 1 of 6

سیاست خارجی را جناحی نمی بینم یعنی سیاست خارجی باید بر قاعده فراجناحی طرح ریزی شود اما متأسفانه این امر در کشور به لحاظ موقعا مرتضی جلالی اظهارنمود کرد که گفت: «ما باید در جهت منافع ملی و منافع ملی کشورمان اقدامات لازم را انجام دهیم».

رهبر ایران اظهارنمود که «ما باید در جهت منافع ملی و منافع ملی کشورمان اقدامات لازم را انجام دهیم».

دوم مخالفت می کردند. دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در آن دوران مخالفان را به مخالفت با سیاست خارجی می خواند.

این باور

هستم که حملات جناحی به عرصه سیاست خارجی، حملاتی بی جهت و نادرست هستند. سیاست خارجی در چارچوب کل نظام اتخاذ و اجرا می شود لذا این که بخواهند از سیاست خارجی دعوایی جناحی بسازند، حتما به ضرر منافع ملی کشورمان خواهد بود. در ۷ تا ۸ سال گذشته، کسانی که راهبرد سیاست خارجی کشور را تخریب کرده اند، حتما کمکی به منافع ملی کشور نداشته اند.

مذاکرات «مسقط» را تأیید کردند، فرمودند: «ما به آمریکایی ها اعتمادی نداریم.» متن برجاس را هم اگر نگاه کنید کاملا نشان می دهد که بر اساس اعتماد نوشته نشده بلکه نوعی سایه بی اعتمادی بر تک تک بندهای آن حاکم است یعنی نوعی بی اعتمادی دو طرفه. در نتیجه شاهد هستیم که در برجاس جزئیات و تمامی موارد به شکلی بسیار ریز درج شده است. این که برخی ها می گویند که ما به امضای جان کری یا قسم باراک اوباما اعتماد کرده ایم، اصلا اینطور نبوده. تمامی موارد و توافقاتی که در برجاس درج شده است، هیچگاه از قبل همیشه توافقاتی بین دو طرف نبوده و اینها را در برجاس درج کرده اند.

در مورد موشک ها آنها می گویند که می بینیم که آمریکا برجام را به عنوان یک توافق با «INF»

ابر قدرتی که سلاح های

هسته ای شان روبروی یکدیگر قرار گرفته و یک خطا ممکن است باعث نابودی کاملشان شود به یکدیگر اعتماد کرده بودند؟ خب پس چرا آمریکا خارج شد؟ از توافق «آسمان های باز» چرا خارج شد؟ از توافق پاریس چرا خارج شد؟ از یونسکو، شورای حقوق بشر سازمان ملل چرا خارج شد؟ آیا اینها هم بر اساس اعتماد بوده؟ اینها همه توافقات و قراردادهایی بوده که وجود داشته و اکنون آنها را دور می زنند.

همه ی این قراردادهای را شکانده، دقیقا مثل یک آدم یاعی. یک آدم یاعی که از چراغ قرمز عبور می کند آیا می گویند ایراد از چراغ قرمز است؟ می گویند رنگ قرمز چراغ خیلی پررنگ نبود؟ کم رنگ بود؟ نارنجی بود؟ نه، می گویند این آقا قانون شکن بوده است. در مورد برجاس هم کاملا همینطور است. برجاس آنقدر مستحکم بود که آمریکا سعی کرد از آن سوء استفاده بکند اما نتوانست. اتفاقا اگر برجاس به نفع آمریکا بود از آن خارج نمی شد.

بعد از اینکه چند کلمه از توافقاتی که در برجاس درج شده است، می بینیم که اینها را دور می زنند.

این است که نشان دهنده ی موفقیت برجاس است. باید توجه

داشته باشیم آمریکا از گذشته تا امروز همین ماهیت را داشت؛ یعنی همین زور را داشت اما مهم این بود که ما این زور را نمی پذیرفتیم. در زمان آقای اوباما هم ما چند نامه برای خانم موگرینی نوشتیم و عدم اجرای تعهدات توسط دولت آقای اوباما را مستند کردیم. ما که ماهیت آمریکا را تغییر نداده ایم اما آیا دوران اوباما بهتر بود یا دوران ترامپ؟ آیا در دوران اوباما قبل از برجاس فشار بیشتری بر تهران وارد می کرد یا بعد از برجاس؟ آیا اگر برجاس نبود ترامپ همین مقدار و سطح از فشار را می توانست وارد کند یا بیشتر؟ اینها مسائلی هستند که باید مورد مقایسه قرار گیرد.

وزیر امور خارجه ایران گفت:

ما برای پیشرفت کشور ضروری است که با جهان رابطه معقول داشته باشیم و تنش زدایی بکنیم. همزمان، ضروری است برای پیشرفت و توسعه کشور از تنش آفرینی پرهیز کنیم و روابطی متعادل و فراگیر را در سراسر جهان داشته باشیم اما نباید آینده خود را بر اساس سیاست خارجی طراحی بکنیم. بر این باور هستیم که متأسفانه خیلی از جناح ها آینده را بر اساس سیاست خارجی می بینند.

البته نسبت به این امر آگاه هستیم که کشور را به تنهایی نمی توانیم اداره کنیم و نیاز داریم که کشور را به تنهایی اداره نکنیم.

در میان مردم نیز این تفکر فراگیر

شده که راه حل تمام مشکلات را باید در خارج کشور جستجو شود. اگر بخواهیم مشکلات مان را حل کنیم، سیاست خارجی تنها بخشی از راه حل مشکلات ماست. مشکلات ما نیازمند راهکارهای جامع در سیاست داخلی همراه با تمرکز بر توان ملی و تمرکز بر تنش آفرینی بر روی می گویند باید بر توانمندی ملی متمرکز شویم اما در کنار آن تنش آفرینی می کنند. آن چه که

کشور را پیش خواهد برد، تمرکز بر مردم، توان و اعتقاداتشان است و همینطور منابع و جغرافیای کشور. مهم تر از همه این مردم هستند که پشتوانه سیاست کلان کشور هستند. واقعیت امر این است که تمامی این محورها، عنصرهایی درون یک سبد هستند که به ما قدرت می بخشند. یک عنصر مهم در این میان نیز عدم ورود به تنشج با جامعه جهانی است که البته این امر به معنای رفاقت با همه جهان نیست و حتی در بعضی حوزه ها می تواند معنای رفاقت نیز باشد. این مساله در ارتباط با همسایگان در قالب دوستی و اتحاد راهبردی قابل خوانش بوده اما با دیگران به معنی عدم وجود تنش یا تا حد ممکن رفاقت و همکاری است اما هر است نه کل آینده چه هست روابط ما با دنیا نباید تنش آلود باشد. این البته قسمتی از آینده ایران

طریف با بیان این که مردم ان شاا با صندوق رای قهر نخواهند کرد گفت:

معتقد هستم که رعایت منافع و حقوق مردم یک الزام حقوقی، اخلاقی، دینی و انسانی بوده اما فراتر از این ها یک الزام امنیتی نیز است. اساسا مردم تمام داشته ما هستند و چیزی غیر از این مردم نداریم. این را بعضی وقت ها پادمان می رود و فراموش می کنیم که این مردم همه چیز ما هستند. اینکه امام بارها تاکید کردند که مردم ولی نعمت ما هستند، بسیار دقیق است. واقعا اگر این مردم نبودند از ما هیچ چیز باقی نمانده بود، چه در زمان جنگ چه در زمان تحریم ها و فشارهای دیگر. نیروهای مسلح ما هم از مردم هستند و توانشان را از مردم می گیرند. هیچ وقت بین نیروهای مسلح و مردم و بقیه ارکان جامعه، هیچ تباینی قائل نیستیم. این ها همگی از یک جنس هستند و به نظرم مردم باید در مرکز توجهات و محاسبات ما باشند. برای من خیلی دردناک است و اسباب شرمندگی است که مردم شرایط معیشتی بدی دارند. تلاشی که من از روز اول کردم این بوده است که وزارت خارجه کمک معیشت مردم باشد نه مخل آن. این تلاش را همه ی ما انجام دادیم، حداقل همکاران من در وزارت تمام توان شان روی این نکته بوده است. البته تاحدودی در این امر نیز موفق بوده ایم و نمود اصلی آن را ملاحظه و سنجید

اقتصادی کشور در سال های بعد از برجام مورد ارزیابی قرار داد. مثلا تورم بعد از برجام را نگاه کنید. اما فردی قانون شکن مثل ترامپ آمد و از برجام خارج شد. البته برخی می گویند باید این را پیش بینی می کردید؛ بله ما پیش بینی کردیم و او نتوانست از برجام سوء استفاده کند. شما قانون می گذارید که اگر یک قلدر چاقو کش آمد، مانعش بشود اما فرض کنید به یکباره این قلدر چاقو کش سر کوچه می آید و می ایستد و به ملت هم آسیب می زند. در نظام داخلی، بالاخره پلیس و دادگاه داریم که قهر فلان را ملایم تر نگاه دارد

بین الملل، چنین چیزی وجود ندارد. لذا باید این واقعیت را در نظر گرفت.

او گفت:

من یک فرد بسیار عادی هستم که شش هفت سال در این کشور بیکار می گشتم. حالا هم که دستور دادند کار وزارت خارجه و این کتاب را هم از اینجانبه هلاک نشد، نگذرد در حد .

شرایط خودم را طوری نمی بینم که کامپیوتری تهاکیمک جمهوری .

بشوم با وجود تمامی دشواری ها این آمادگی را دارم که

وزیر علم و فناوری را چه عقلت دارم

با این شرایط متاسفانه، حتی و تویی تلگرام چکر کلمه با حرف اولی بولم، کلان کنندان .

نگران این نیستم که شخصا اذیت شوم. فکر

موتی، برای گنجه ها تکم رملی شوم .

به کار برده اند و حتی این اتهام را مطرح کرده که متن توافق ۲۵ ساله با چین را نخونده ام. در حقیقت، ما در نظامی هستیم که به آخرت اعتقاد داریم و معتقدیم که باید یک روزی پاسخگوی اعمالمان باشیم. خب آقایانی که این حرف را زدند، واقعا از همکاران من پرسیده اند که چندبار این توافق را باز نویسی کردم؟ واقعا سؤال کرده اند؟ شما فرض کنید این حملاتی که به من می شود، یک طرف خارجی وجود دارد که آنها را می بیند. او احساس می کند وزیر خارجه ایران را

را تحویل بگویند و دستوی سنگ جلاوشن بزنند گناه کار را نمی بخوانند او هیچکس را نمی بیند و می گویم؟ او می گویم نیست منافع او را می بیند

با کسانی بنشینم که این دیدگاه ها را خیانت به کشور و مخل امنیت ملی می دانند.

طریف گفت:

مقام معظم رهبری نقش پدري برای همه ی جریان ها دارند و همیشه هم این نقش را داشته اند و از دولت های مختلف و جریانات مختلف حمایت کرده اند. من از سال ۶۸ که مشاور وزیر خارجه و بعد سفیر و معاون وزیر شدم، در دولت های آیت الله العظمی خاتمی و آقایان هاشمی و روحانی و آقایان احمدی نژاد و حسن روحانی رهبری را دیدم. رهبری اما در همه ی شرایط از این دولت ها حمایت کرده است.

او عنوان کرد:

در حوزه ی سیاست خارجی و منافع ملی ما یک مقداری از مردم سالاری عبور کردیم و به هرج و مرج رسیده ایم. شما وقتی با یک امریکایی، چه دموکرات چه جمهوریخواه در هر حوزه سیاست خارجی صحبت بکنید، به جز انارشیست ها که در آمریکا هم هست، دیدگاه هایشان در مورد مسائل اصلی خیلی متفاوت نیست اما به دلیل دو قطبی که ترامپ ایجاد کرده، حرکاتی جدید در حال شکل گیری است که ممکن است در آینده مهم باشد. البته پیش بینی در این مورد زود هنگام است چون سیستم امریکا، نظامات داخلی دارد که به صورت جالبی مسائل را کنترل می کند اما به طور کلی در یک اصولی، چارچوب هایی دارند. ما اینجا علاوه بر همه ی این ملاک ها، شخصیتی به عنوان مقام معظم رهبری داریم که کلیات مسائل سیاست خارجی و امنیت ملی باید به تایید ایشان برسد اما علی رغم این، ما شاهد هستیم که در واقع با اظهاراتی کل کشور را تخریب می کنیم. این لازمه اش این نویسنده گاه و مجلس

قدرتمند، همشان یکسان باشد. لازمه اش فقط این است که چارچوب هایی را رعایت کنیم؛ یعنی چارچوب منافع ملی را رعایت کنیم. در واقع، برای کوباندن یکدیگر، عزت ملی را خدشه دار نکنیم، برای کوباندن یکدیگر، احساس بی حیثیتی به مردم ندهیم، برای کوباندن یکدیگر، همدیگر را متهم به در نظر نگرفتن تمامیت ارضی نکنیم. خودمان که می دانیم اینها خلاف است، خوب چرا این اتهامات را می زنید؟ اینجا است که ما مشکل داریم، نه الزاما یکدست بودن کل حاکمیتی.

دوستان می روند و به امریکا «گرا» می دهند که با ما بهتر می توانید کار کنید. ما که سکوت می کنیم، دلیل نمی شود که متوجه این گراها نیستیم. من کسی را متهم نمی کنم ولی می دانم و خبرش را بهم می دهند که گفته اند این ها در قدرت نمی مانند و قدرت این ها چند روزه است. اینجا است که فکر می کنم سیاست خارجی نیاز به این دارد که منسجم باشد، اینجا است که فکر می کنم ما با خارجی که طرفیم، یک نفر واحد باید تلقی شویم. شخصا وقتی به خارج از کشور می روم، همان انتظار می کنم که اینها یکدست باشند و یک خط مشی داشته باشند، در اختیار دارند و کمترین اختلافی در بین آنها نیست.

که طریف برجام را خوانده و به یک کلمه در برجام استناد کند که آقای عراقچی چندین بار درموردش توضیح داده و هیچ اتفاقی هم برایشان نمی افتد. طرف می تواند بگوید که طریف جاسوس است و در مدرسه جاسوسی تربیت شده است اما هیچ اتفاقی برای او نیافتد. می گویند طریف از اول جاسوس بوده، می گویند پدر بزرگ من که مسجد اعظم قم و مسجد همامبورگ با هزینه ایشان ساخته شده، عامل بهایی ها بوده و این روزها هم که می نویسند عامل گلوبالیست ها بوده. این چیزها را در رابطه با پدر بزرگ من که بنده خدا هم معروف به سنی است، استغفر الله، البسم الله، درمورد قیام ایشان الحاحی گویند بگویند که او بنده و پیرو او است. اینها را می شنیدیم.

برایشان نمی افتد. شما بروید نگاه کنید؛ گفته اند پدر فلانی، حاج محمد علی کازرونی بوده پدر من اما اسمش مشخص است حاج عباسعلی طریف خونساری و به گاوصندوق علما معروف بوده و هرکس نیاز مالی داشته به ایشان رجوع می کرده، آن وقت می گویند پدر فلانی ساواکی است و پدر بزرگش عامل بهایی است. هیچ اتفاقی هم برایشان نمی افتد. در این یک هفته ای که نگران حضور من در انتخابات شده اند، عکس پدر بزرگ من به وفور در تویتر پیدا می شود

او گفت:

دو گلو فدا دار ایران هستند. یک گروهی که به اصطلاح خودشان مخالف گلوبالیست ها هستند و احساس قرابت فکری با ترامپ می کنند که واقعا باعث تأسف است. البته آقای ترامپ، ممکن است یک نیروی انزواگر باشد اما حتما یک نیروی ضد گلوبالیسم نیست. ترامپ در حوزه سیاست خارجی، عامل صهیونیسم و سیاست های کشورهای مرتجع منطقه است. آقای ترامپ از روزی که انتخاب شد، فقط برای انتخاب مجدد فکر می کرد و پایه ی توده ای خودش را هم افرادی می دانست که در داخل امریکا می توانند به او رای دهند. این بدین معنا نیست که او ضد گلوبالیسم است، آقای ترامپ فردی فرصت طلب است که دارد از این گریه و استغلاش هم می کتواید.

این چه فایده ای دارد.

نوشته بودیم. اما شما نصف قصه را گفتید، نصف دیگر قصه را نگفتید. آن نصف دیگر قصه هم باعث شده که علی رغم اینکه امروز هیچیک از تعهدات هسته ای برجامی مان را به جز تعهدات نظارتی، اجرا نمی کنیم اما همچنان در برجام هستیم. فراموش نکنیم زمانیکه خیلی از تحریم ها روی کشور بود، این تعهدات را اجرا می کردید. نمی خواهم وارد برخی جزئیات شوم که مصالح کشور و مناسبات بین المللی را به خطر اندازد و گوید

ذخایر ۲۰ درصدی شما از ۲۰۰ کیلو فراتر رفته است؛ گفتیم مگر ما تعهدی روی ذخایر ۲۰ درصدی داشتیم؟ بعد معلوم شد که یک توافق نانوشته وجود دارد که در مقابلش هیچی هم نگرفته بودند. در استانبول که راجع به ۲۰ درصد صحبت کردند، در مقابل چه چیزی گرفتند؟ وقتی در تهران با ترکیه و برزیل توافق کردند، چه چیزی گرفتند جز اینکه روسیه و چین به قطعنامه ۱۹۲۹ پیوستند؟ بحث زیاد است. بنده خیلی از مسائل را زمانیکه بیکار بودم، نوشتم و به محضر آقایان دادم. لذا دوستان نخواهند طرف خودی و همکار خودشان، همکیش و هم میهن خودشان را در مقابل خارجی تخطئه کنند. در مقابل خارجی، دستش را خالی کنند. این نه مرام مروت و انسانیت است، نه مرام وطن دوستی.

برجسب ها: [محمدجواد طریف](#) [1]

[برجام](#) [2]

[رهبر انقلاب](#) [3]